

که بیایند آن جا بختند و اخم کنند. اما در این شرایط، به خاطر همان قضیه تنبلی، فکر می‌کنم باید اتفاق عجیب و غریبی بیافتد تا مشکل حل شود. احساس می‌کنم کارگردان‌ها - به خصوص کارگردان‌های جدید و فیلم‌اولی - و تهیه‌کنندگان این آثار می‌توانند نگاه جدی‌تری به تئاتر و بازیگران کف تئاتر ببینند و در این حالت فکر می‌کنم قطعاً اتفاقات خیلی قشنگ‌تری در سینما خواهد افتاد.

از یک طرف، قاعدتاً اگر یک حرکت پله به پله وجود داشته باشد، می‌تواند در آینده تأثیر مثبتی داشته باشد. صددرصد.

فکر می‌کنم دلیلش مشخص است. آن تجربه‌اندوژی و ریزه‌کاری‌هایی که آدم آرام‌آرام به دست می‌آورد باعث می‌شود که آدم در آینده انتخاب‌های درست‌تری داشته باشد، نقاط قوت و ضعف خود را بهتر بشناسد و به قول معروف بهتر کار را در بیاورد. اما به طور ویژه فکر می‌کنم پیش زمینه قوی و طولانی تئاتری، تأثیر بسیار مهمی در این دارد که آدم بعداً در سینما ماندگار شود. مثالی که در سطح جهانی به ذهنم می‌رسد، آل‌چینو است که قبل از این که حتی یک فیلم در سینما بازی کرده باشد، جایزه تونی (معتبرترین جایزه تئاتر دنیا) را برده بود. تمام شد رفت!

فکر می‌کنم آن پیشینه تئاتری خیلی در این تأثیر داشت که وقتی پاچینو شناخته شد، بتواند خود را در طولانی مدت آن بالا حفظ کند. چه نکته‌ای در حضور روی صحنه تئاتر است که می‌تواند چنین کمکی به بازیگر کند؟

تحقیقاتی در این حوزه وجود دارد که ما به عنوان یک بازیگر باید چه زمینه و چه راهی را طی کنیم تا به نقطه‌ای برسیم که نقش مد نظر نویسنده است. بیشترین کار به تکنیک همسان سازی خود - به عنوان بازیگر - با آن موقعیتی برمی‌گردد که در آن نمایشنامه نوشته شده است. در دنیای سینما، شکل پرداختش به خاطر مسائلی چون لوکیشن‌های متفاوت، کات‌های متفاوت، جاگیری‌های مختلف وسایل، کادرهای خیلی بسته و غیره، فرق می‌کند. در چنین شرایطی، تو به عنوان بازیگر ممکن است متوجه نشوی که این مسیر، چه مسیری است. اما بازی کردن در تئاتر آموزشی به تو می‌دهد و آن آموزش بیشتر بر پایه تحلیل است. تو باید بدانی که این یک علم است. لازم نیست تو (همان طور که گفتیم) بروی، بخندی و گریه کنی (کاری که شاید خیلی از آدم‌ها می‌توانند انجام دهند). خیلی‌ها سر یک‌سری از مباحث

تکنیکال تئاتری است که این مسیر سال‌های زیادی از عمر بازیگر را به خود اختصاص می‌دهد تا به ایده‌آلش برسد. اما سؤال دارم: در کدام حوزه مافیای وجود ندارد؟ ما در عمران یا ساختمان‌سازی یا هر حوزه‌ای مافیای داریم. سینما هم مافیای خودش را خواهد داشت. اما خوشبختانه با ورود نسل جدید بازیگرانی که بر سر کار آمده‌اند، نسل جدیدی که به انتخاب بازیگر مشغولند و خلاصه نسل جدیدی که درگیر پروسه بازیگری‌اند و قاعده برایشان تکنیک و بازی است و نه آن پارامترها و فاکتورهایی که مثلاً در سینمای ده سال پیش ما در حوزه بازیگری وجود داشته، فکر می‌کنم شرایط برای خیلی‌ها مناسب‌تر شده است. اما قاعدتاً من دیر دیده شدن خیلی از آدم‌ها را می‌گذارم پای تنبلی.

یعنی جست‌وجو نکردن.

صددرصد. ببینید. الان یک سری پدیده بازیگری در دانشگاه‌های تهران و شهرستان‌ها حضور دارند. من در آذربایجان شرقی بالای ده بازیگر را می‌توانم نام ببرم که اگر وارد سینما شوند فرصت برای کسی نمی‌ماند. احساس می‌کنم بخشی از قضیه ناشی از ترس یک سری از کسانی است که فکر می‌کنند فقط قرار است یک پروژه ساخته شود و در آن هم خودشان باید بازی کنند. آن‌ها نمی‌دانند که به اندازه همه پروژه وجود دارد و هزاران قصه وجود دارد که می‌شود آن قصه‌ها را بازی کرد. اما جدا از این، من ماجرا را می‌گذارم پای تنبلی یک سری از کارگردان‌ها و تهیه‌کننده‌ها و مطمئنم که اگر این تنبلی را درمان کنند، شاهد نفس بهتری در سینمای بدنه خواهیم بود. چون طیف بازیگرانی که دارند می‌آیند معلوم است. بازیگرانی که در چند سال اخیر درگیر علوم انسانی بازیگری شده‌اند خیلی بیشتر از طیفی است که قبلاً داشتیم. اگر قبلاً فقط استاد سمندریان را داشتیم که یک منبع ورود به حوزه تحلیل و تجزیه بود، الان طیف زیادی از اساتید داریم که دارند این کار را انجام می‌دهند و بازیگران را علمی‌پرورش می‌دهند. بازیگران دیگر فقط تبدیل به یک سری موجود نمی‌شوند

آن اضافه‌وزن در آینده توی چشم‌زند و معلوم نشود که این صرفاً یک "پف" موقتی است بلکه روی تن و بدن بنشیند. بیشترین فشاری که متحمل شدم، فشار فیزیکی بود.

اگر موافق باشید به سراغ بحث‌های کلی‌تر برویم. شما، با توجه به توانایی‌هایتان و با توجه به مدت‌زمانی که دارید فعالیت بازیگری را انجام می‌دهید، نسبتاً دیر به یک بازیگر مطرح تبدیل شدید. فکر می‌کنم بازیگران زیادی با این شرایط - به خصوص در تئاتر - حضور دارند که ممکن است ده یا پانزده سال در شهر یا منطقه خودشان بدرخشند و جایزه هم دریافت کنند اما هیچ‌وقت شناس شناخته شدن توسط مخاطب عام را به دست نیاورند یا هیچ‌وقت گذارشان به سینما نیافتد. فکر می‌کنید عامل اصلی این دیر شکوفا شدن یا در مواردی شکوفا نشدن استعدادها چیست؟ آیا، بدون تعارف، مافیایی وجود دارد؟ یا مشکل به تنبلی تهیه‌کنندگان یا فیلمسازانی برمی‌گردد که دنبال بازیگران نمی‌گردند یا به خاطر عدم شناخت آن‌ها از حوزه تئاتر است؟

برای این که به جواب سؤال برسم، یک چیز در مورد خودم می‌گویم. گروهی شاید مثل من هستند و خیلی سخت انتخاب می‌کنند. شاید این وضعیت به این خاطر برایشان به وجود بیاید. خود من تا چهار، پنج سال پیش اصلاً قصد آمدن به تهران نداشتم و می‌خواستم در تبریز به فعالیت تئاتری ادامه دهم (مگر این که می‌خواستم برای اجراهای مختلف به شهرهای دیگر بروم). چون آن پروژه‌ای که برای من ارجمیت دارد یک پروژه

